

متن، معنی، شرح و تفسیر غزل شماره ۱۶۱ حافظ

کی شعر تر انگیزد خاطر که حزین باشد
یک نکته از این دفتر گفتیم و همین باشد

غزل ۱۶۱ حافظ با کی شعر تر انگیزد خاطر که حزین باشد آغاز می شود. وزن غزل کی شعر تر انگیزد ، مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن (هزج مثنیٰ اربع) می باشد. در ادامه می توانید متن کامل غزل و همچنین معنی لغات و شرح و تفسیر ابیات را مشاهده کنید. شرح و تفسیر برگرفته از کتاب شرح سودی بوسنوی بر حافظ ترجمه دکتر عصمت ستارزاده می باشد.

آنچه در ادامه می خوانید:

- ۱- متن غزل
- ۲- شرح و تفسیر غزل
- ۳- معنی غزل و لغات



متن غزل ۱۶۱ حافظ

کی شعرِ تر انگیزد خاطر که حَزین باشد
یک نکته در این معنی گفتیم و همین باشد
از لعلِ تو گر یابم، انگشتری زَنهار
صد مُلکِ سلیمانم در زیرِ نگین باشد
غمناک نباید بود از طَعْنِ حسود ای دل
شاید که چو وایینی خیرِ تو در این باشد
هر کو نَکند فهیمی زین کَلکِ خیال انگیز
نقشش به حرام ار خود صورتگرِ چین باشد
جامِ می و خونِ دل هر یک به کسی دادند
در دایرهٔ قسمت، اوضاعِ چنین باشد
در کارِ گلاب و گل، حکمِ ازلی این بود
کاین شاهدِ بازاری، وان پرده نشین باشد
آن نیست که حافظ را رندی پُشد از خاطر
کاین سابقهٔ پیشین تا روزِ پَسین باشد

شرح و تفسیر غزل ۱۶۱ حافظ

کی شعر تر انگیزد خاطر که حَزین باشد
یک نکته در این معنی گفتیم و همین باشد

کی: چه وقت، چه زمان

شعرِ تر: در فن بلاغت، شعر سلیس را گویند که در وی تعقید نباشد. فصیح. شیوا. نغز. لطیف. دلچسب و تازه و آبدار

خاطر که حَزین باشد: دل که غمگین و افسرده باشد

نکته [ن ت / ت] سخن پاکیزه که پوشیده باشد یعنی هرکس آن را نداند. مسأله لطیفی که با دقت نظر و امعان فکر کشف و ادراک شود. موضوع دقیق و مهم که دریافتن آن محتاج دقت باشد

معنی [م نا / م نی ی] مقصود از سخن

معنی بیت: دلی که غمگین و افسرده باشد چطور می تواند شعر لطیف و فصیحی و دلچسبی بگوید؟ در این موضوع آنچه را باید می گفتم و همین کافی است. مراد آنکه با دقت نظر در همین مصرع می توانید به مقصودم پی ببرید.

از لعل تو گر یابم، انگشتی زَنهار
صد مُلکِ سلیمانم در زیر نگین باشد

لعل: [ل] کنایه از لب . لب معشوق

اَنگُشتِری زَنهار: انگشتی که پادشاهان به نشانه امان به کسی می دادند

ملک سلیمان: پادشاهی سلیمان

نِگین: مراد از نگین انگشتی و مهر حضرت سلیمان است که گویند اسم اعظم الهی بر آن نقش بود و سلطنت وی بر انس و جن بسته بدان بود و دیوی بشکل سلیمان آن انگشتی را بدست آورد و چندی سلطنت کرد تا بار دیگر انگشتی بدست سلیمان افتاد و سلطنت خود را باز یافت . خاتم جم . خاتم جمشید. انگشتی جم . انگشتی جمشید

معنی بیت: اگر از لب سرخ تو کام گیرم، پادشاه جهان خواهم بود. مراد آنکه لبان سرخ یار چون انگشتی حضرت سلیمان است که اسم اعظم خداوند بر آن نقش داشت و جن و انس و باد و وحوش و پرندگان به فرمان او بودند. اگر من از لبان یار کام گیرم گو اینکه پادشاه جهانم و همه چیز به فرمانم است.

غمناک نباید بود از طَعْنِ حسود ای دل

شاید که چو وابینی خیر تو در این باشد

طَعْن: سخن کنایه آمیز که معمولاً به منظور توهین، تمسخر، و سرزنش بر زبان می آید.

وادیدن: [دی د] (مصدر مرکب) دوباره دیدن . باز نگریستن . تجدید نظر کردن . دیگر باره دیدن کردن . بازدیدن کردن

خیر: خوبی

معنی بیت: ای دل از سرزنش حسودان اندوهگین نباش که اگر دوباره نگاه کنی شاید خیر و صلاح تو در این باشد.

هر کو نَکَنَد فهمی زین کَلکِ خیال انگیز
نقشش به حرام ار خود صورتگر چین باشد

کَلکِ خیال انگیز: قلم مُخَيَّل . کنایه از شعر خود خواجه است

نقش: [نَ] [نَ] تصویر. رسم . تمثال

صورتگر: [رَگَ] (ص مرکب) نقاش . مصور. تصویرساز

نقش به حرام: [نَ] [بَ] [حَ] (صفت مرکب) نقش حرام . کسی که دارای قد و قامت موزون باشد ولی بیکاره و تنبل بود. کنایه از کسی که قدی و قامتی و ترکیبی دارد لیکن به غایت کاهل و هیچکاره بود و عوام کوده به حرام می گویند

معنی بیت: کسی که شعر مخیل زیبای من را نمی فهمد و درک نمی کند، حتی اگر نقاش چین هم باشد به مفت نمی آرد.

جام می و خون دل هر یک به کسی دادند
در دایره ُ قسمت، اوضاع ُ چنین باشد

جام می: پیاله شراب

خون دل: دل خون . خونین دل

دایره ُ قسمت: اضافه تشبیهی است و مراد از دایره مکانی است که در روز الست قسمت و تقدیر همه مشخص شده است

معنی بیت: تقدیر هر کس در روز ازل مشخص شده است و سهم یکی باده گساری و می خواری شده است و سهم دیگری دل خونین و اندوهگین و کاری هم نمی شود کرد چرا که تقدیر محتوم و حتمی است.

در کارِ گلاب و نخل، حکمِ ازلی این بود
کاین شاهدِ بازاری، وان پرده نشین باشد

حُکْمِ اَزَلِی: حکم و سرنوشت ازلی که در روز اول برای هر کس مقدر شده است

کاین شاهدِ بازاری: منظور گلاب است که در بازار زیاد خرید و فروش می شود و در هر کاری از آن استفاده می کنند

وان پرده نشین: منظور گل است که در پس غنچه مستور و پنهان است. البته برعکس هم می توان در نظر گرفت بدین صورت که گل، شاهد بازاری است و در طبق ها به فروش می رسد و محبوب همگان است و گلاب چون در شیشه نگهداری می شود پرده نشین است.

معنی بیت: اگر گل بر طبق و گلاب در شیشه است و یا اینکه اگر گل در پس غنچه پنهان است و گلاب در بازار محبوب است و برای هر کاری استفاده می شود صرفاً به دلیل حکم ازلی و تقدیر و سرنوشتی است که برای آنها معین و مقدر شده است.

آن نیست که حافظ را رندی بشد از خاطر
کاین سابقه پیشین تا روز پسین باشد

رُندی: زرنگی، زیرکی، عیاری، لاقیدی

بِشُد: برفت

خاطر: دل، یاد

معنی بیت: رندی و عاشقی و میگساری تقدیر حافظ است که در روز ازل حکم شده است پس حتی اگر حافظ بخواهد هم نمی تواند رندی را از یاد ببرد و فراموش کند.

نویسنده: دکتر زند